

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

جلسه ی ، شنبه ۱۳۹۴/۱۱/۱۰ - ۱۹ ربیع الثانی ۱۴۳۷

ادامه بحث بررسی روایات عدم تشکیل حکومت:

در خصوص دلالت تمام روایات این بخش بحث داریم:

بحث اول در خصوص دو روایت اول است. بحث دیگر در مورد روایات ابی الجارود است، و بحث سوم هم در مورد روایت امام سجاد علیه السلام در مقدمه صحیفه می باشد.

اما دو روایت اول: مضمون هر دو روایت این است که قیامی که در زمان غیبت صورت بگیرد مانند جوجه ای بی بال و پر است. فرمایش امام در این دو روایت از باب حکم معلل است.

در برخی روایات (مانند روایت ابی الجارود) حمل بر پیشگویی می شود؛ اما گاهی از روایت استفاده می کنیم؛ این که از فرمایش امام علیه السلام مبنی بر این که هر قیامی که قبل از ظهور حضرت حجّت عجل الله تعالی فرجه الشریف صورت می پذیرد مانند جوجه ای بی بال و پر است، و بخواهیم از آن حکم منع قیام در زمان غیبت را استنباط کنیم، بایستی به علّت آن توجّه نماییم.

ماء البئر طاهر لأنّ له مادّه^۱

۱. وسائل الشیعة / ج ۱ / ۱۴۱ / ۳ باب نجاسة الماء بتغير طعمه أو لونه أو ريحه بالنجاسة لا بغيرها من أي قسم كان الماء ص :

اینجا یک حکم معلّل داریم طاهر بودن آب تعلیل شده به (داشتن منبع جوشش). حالا برای تسرّی حکم باید توجه نمود که آیا در آن موضوع خاصّ علّت مذکور در روایت وجود دارد یا خیر؟ پس نمی‌توانیم بگوییم کلّ ماء البئر طاهر و این اطلاق درست نیست، زیرا حکم روی علّت رفته است. همچنین از بیان علّت می‌توانیم اطلاق حکم در موضوعاتی که دارای آن علّت هستند را بدست آوریم ... ماء الحنفیّة طاهر (لأن له مادّه)

این که از متن این روایات (اول و دوم) حکم استنباط کنیم درست نیست چون متن روایت دالّ بر حکمی نیست، این روایت احتمالاً یک نوع غیبگویی و پیشگویی است؛ بر فرض که بخواهیم از آن حکم استنباط کنیم بایستی توجّه کنیم که حکم معلّل است و نمی‌توان آن را بر روی همهی موضوعات مطلقاً و بدون در نظر گرفتن تعلیل بار کرد. زیرا حکم در اینجا بر کلیّت موضوع بار نمی‌شود و نمی‌شود بگوییم هر قیامی قبل از امام زمان عجلّ الله تعالی فرجه الشریف ممنوع است، بلکه قیامی ممنوع است که در آن شرایط و زمینه‌ها آماده نشده است (پر و بال نداشته است) زیرا قیامی که بدون زمینه‌سازی (و تکمیل پر و بال) صورت بگیرد، قاعدتاً با شکست مواجه می‌شود و گاهی حتّی تأثیر عکس گذاشته و موجب سوء استفاده و قدرت گرفتن دشمنان هم می‌شود. (به عنوان مثال، روی کار آمدن بنی‌عبّاس به همین صورت بود که سادات کشته دادند، زندان رفتند، شکنجه شدند، ولی بهره برداری را بنی‌عبّاس نمودند و ظلمی بدتر از بنی‌امیه بر امت وارد نمودند.

امام رحمه الله هم در هنگام قیام با مشکلات فراوانی مواجه بودند. از جمله این که کلیّ افراد متجاهر به فسق اطراف ایشان را گرفته بودند و ما واقعاً وحشت داشتیم که این افراد چگونه می‌خواهند متصدّی امور اجرایی حکومت اسلامی باشند.

حضرت امام رحمه الله به محض ورود به پاریس ایشان را به منزل سودابه‌ی صدیقی (کمونیست) برده بودند و در آنجا وی با سر برهنه برای امام رحمه الله چای آورده بود که امام بسیار ناراحت شده بودند و بعد به منطقه‌ی نوفل لوشاتو منتقل شدند.

اما حضرت امام، بدون امکانات و در اختیار داشتن رسانه و غیره و با نبوغ فکری و بصیرتشان جریان سازی نمودند و با آماده سازی اذهان، زمینه ی پیروزی انقلاب را فراهم ساختند.

پس نتیجه روایات این می شود که قیامی که با زمینه سازی باشد منعی ندارد.

مبنای فقهی حضرت امام خمینی رحمه الله و مرحوم آیه الله خوانساری رحمه الله - که مخالف انقلاب بودند - در بحث قیام و ولایت فقیه و ... یکسان بود؛ ولی حضرت امام رحمه الله مردم را آماده و قیام را واجب می دانستند، لیکن مرحوم خوانساری این زمینه را آماده نمی دانستند. این که ایشان در تشخیص موضوع دچار خطا شده اند موجب جواز تخطئه و تخریب ایشان نمی شود.

بررسی دو روایت ابی الجارود:

برخی بزرگان قائلند که این دو روایت در واقع یک روایت هستند.

در این روایت کلمه ی «منا» دارد که یکی از دو معنا در آن احتمال دارد باشد؛ یکی این که از ما معصومین هر قیامی که صورت پذیرد با شکست مواجه می شود. شیعیان به امامان فشار می آوردند که قیام نمایند؛ لذا فرمودند که اگر از ما معصومین کسی قیام کند به شکست می خورد و به نتیجه ی مطلوب نمی انجامد. احتمال بعدی این است که شامل اهل بیت علیهم السلام و سادات نزدیک به ایشان بشود؛ یعنی هم معصومین علیهم السلام (به معنای خاص) و سادات نزدیک به اهل بیت (به معنای عام) شود چونکه در آن زمان کسانی بودند که وارث خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام هستند؛ یعنی همان علویان و سادات بنی حسن که در آن زمان قیام نموده بودند.

پس این روایت شامل قیام شیعیان و حتی سادات دور دست نمی شود.

پس اگر بخواهیم از این روایت هم (با احتمال این که روایت محتمل است در پیشگویی باشد) بایستی به این نکته توجه داشت که فقط در مورد قیام اهل بیت علیهم السلام است.

از این گذشته، اصلاً این دو روایت احتمال دارد که از باب اخبار غیبی و غیبگویی و پیش‌گویی صادر شده باشند؛ ممکن است گفته شود زیدیه در یمن یا فاطمیون مصر مدتها حکومت کردند و شکست نخوردند؛ این درست نیست، چون این‌ها اهل بیت علیهم السلام محسوب نمی‌شوند.

پیروزی انقلاب اسلامی هم قیام شیعیان بود نه اهل بیت علیهم السلام (چون سادات الان نسب دوری دارند و از اهل بیت علیهم السلام به شمار نمی‌روند)

ضمناً در جریان انقلاب اسلامی، قیام را مردم انجام دادند و حکومت را امام رحمه الله تشکیل دادند.

بحث دلالتی در مورد روایت مقدمه‌ی صحیفه

در اول روایت فرموده‌اند ماخرج و لایخرج: خروج نکرده است و خروج نمی‌کند مگر این که قبل از خروج سفیانی شکست می‌خورد. مصداق «ما خرج» در زمان امام صادق علیه السلام خروج و قیام امیرالمؤمنین علیه السلام و قیام امام حسین علیه السلام می‌شود. زیرا شأن صدور روایت در خصوص حکومت بنی‌امیه است. اگر این روایت در مقام صدور حکم باشد، نعوذ بالله قیام و حرکت امیرالمؤمنین و سیدالشهداء علیهما السلام را هم تخطئه و محکوم می‌نماید. زیرا هم امیرالمؤمنین علیه السلام در جنگ صفین و هم حضرت امام حسین علیه السلام در کربلا با بنی‌امیه جنگیدند. اگر این روایت (مقدمه‌ی صحیفه) در باب تخطئه‌ی قیام‌هایی که بر علیه بنی‌امیه صورت می‌گیرد درست باشد، قیام آن دو امام بزرگوار هم ایراد دارد.

فالموت فی حیاتکم مقهورین...^۱

نامه‌ی ۴۵: ان اطهر الارض من هذا الشخص ...^۱

۱. نهج البلاغة (للصبحی صالح) / خطبه ۵۱ و من خطبة له ع لما غلب أصحاب معاوية أصحابه ع علی شریعة الفرات بصفین و منعوهم

الماء ص : ۸۸.

پس این روایت (بر فرض صحّتش) دقیقاً یک خبر غیبی است که دلالتی بر هیچ حکمی نمی‌کند. آن فراز روایت هم (زیاده فی مکروهنا و شبعتنا) خدشه‌ای وارد نمی‌کند به جواز قیام، زیرا هر مکروهی لزوماً بد نیست.

۱. نهج البلاغة (للصبي صالح) / خطبه ۴۵ و من كتاب له ع إلى عثمان بن حنيف الأنصاري و كان عامله على البصرة و قد بلغه أنه
دعى إلى وليمة قوم من أهلها، فمضى إليها - قوله: ص : ۴۱۶.